

گزارش یک

دنیا جدیدی

ورزشگاه مونتجوئیک آمشب میزبان دیدار حساس بارسلونا-والنسیاست؛ مصافی که صرف‌نظر از جایگاه دو تیم، همواره برای آبی‌اناری‌ها سخت و دردسرساز بوده است، حتی زمان‌هایی که به عنوان تیم برنده زمین‌بازی را ترک کرده‌اند.

■ ■ ■

بی‌شک آنچه باعث نگرانی هواداران بارسا شده، روند متفاوت نتیجه‌گیری این تیم در لیگ‌فهرمانان با لالیگاست، هر چند والنسیا با کسب ۱۶ امتیاز از سه برد، هفت مساوی و ۱۰ باخت در رده نوزدهم جدول قرار دارد اما خفاش‌ها بعد از برتری مقابل رئال سوسیداد انگیزه زیادی برای کسب امتیاز از شاگردان فلیک دارند؛ تیمی که کمتر از یک‌هفته قبل بارائه یک بازی زیبا در زمین بنفیکا بازگشت بزرگی را رقم زد تا برنده آن دیدار پرگل (۴بر۲) باشد، با وجود این روند نتیجه‌گیری آن در لالیگا به گونه‌ای است که در چهار بازی اخیر خود هیچ بردی نداشته و بازی‌ها ختافه را نیز با چنجال به تساوی کشاند، به طوری که سرمربی ختافه در نقد رفتار فلیک و لاپورتا گفت هیچ احترامی برای آنها قائل نیست و جنتلمن بودن وقت کسب برتری کار سختی نیست و مهم آن است که بعد از باخت هم بتوان جنتلمن بود و درست رفتار کرد و حالا بارسا باید از لایسه‌لای تمام این حواشی به سه امتیازی دست یابد که از شام شب هم برایش واجب‌تر است.

پیروزی اخیر بارسلونا در لیسون نشان‌دهنده قدرت تیم است، اما نیاز به تغییرات در ترکیب احساس می‌شود، خصوصاً در مصاف با والنسیا. در واقع فلیک چاره‌ای جز کسب سه امتیاز این بازی ندارد، البته اگر می‌خواهد جایگاه خود را در بین سه تیم بالای جدول جهت رقابت برای کسب عنوان قهرمانی حفظ کند. بارسا از یک‌سو فاصله‌ای هفتم‌امتیازی با صدرنشین دارد و از سوی دیگر نفس‌های اتلتیکوبیلبائو را بیخ‌گوش خود؛ تیمی که با تفاضل گل کمتر در رده چهارم ایستاده و مترصد فرصتی برای به زیر کشیدن آبی‌اناری‌هاست.

در چنین شرایطی بارسا میزبان والنسیاست؛ تیمی که سرمربی آن قصد غافلگیری کاتالان‌ها را دارد: «بارسلونا تیمی تهاجمی است که از بالا شدیداً پرس می‌کند و این موضوع هویت آنها را به عنوان یک تیم تعریف می‌کند. آنها به مالکیت توپ خود، بازی عمقی و انتقال‌های سریع را هم اضافه کرده‌اند تا تیم قدرتمندی در حملات پرتعدادشان روی دروازه حرف باشند، اما با تمام احترامی که برای این تیم قائل هستم، می‌خواهیم آنها را غافلگیر کنیم و کلید موفقیت‌مان این است که بهترین نسخه خود را ارائه دهیم.»

برگ‌برنده فلیک در این‌بازاری می‌تواند آمادگی ترکیب ذخیره‌های بارسا باشد، خصوصاً که حالا بعد از برتری پرگل در آخرین بازی لیگ‌فهرمانان، بارسا نشان داد بهترین و متحدترن‌رختکن دنیا را دارد و با این حساب مرد اول کادرفنی بارسا می‌تواند به راحتی در مصاف با والنسیا دست به



شب سخت بارسا مقابل قعرنشین سرسخت

جدال برای بقا در جمع مدعیان

تغییر برند؛ اتفاقی که اگر رخ دهد، می‌تواند حریف را غافلگیر کند؛ حریفی که خوب می‌داند نمی‌توان روی عدم‌نتیجه‌گیری آبی‌اناری‌ها در لالیگا حساب کرد و بارسا هر زمان می‌تواند دوباره برگردد تا امار برتری‌های خود را مقابل والنسیا بهبود بخشد(چهار برد و یک مساوی در پنج بازی اخیر)، شاید به همین دلیل هم است که خوزه گایا، مصاف با پارسلونا را یکی از بازی‌های سخت این فصل می‌خواند: «اصلاً کار ساده‌ای نداریم. ناکامی‌های اخیر بارسا در لیگ قابل اعتماد نیست. هیچ محدودیتی نمی‌توان برای این تیم و بازیکنانش قائل شد، خصوصاً برای لامین یامال که یکی از بهترین بازیکنان

حال حاضر و مهار او برای مدافعان کناری کار دشواری است، خصوصاً که او مهارت این را دارد که در هر دو سمت زمین بازی کند و اگر بموقع نزدیکش نشوید، کار سخت می‌شود و شاید بهترین کار برای مهارش این باشد که او را رو به عقب برگردانیم تا ضربه جبران ناپذیری را متحمل نشویم.» والنسیا با سرمربی جدید انگیزه زیادی برای کسب نتیجه دارد اما پرواضح است که این تیم قرار نیست میزبان را دست‌کم بگیرد. باید دید فلیک نیز با این نگاه شاگردانش را روانه میدان می‌کند و بی‌تفاوت به جایگاه والنسیا در قعر جدول برای سه امتیاز این هفته مبارزه می‌کند تا از جمع مدعیان دور نشود؟



نداشتن عمق ترکیب بزرگ‌ترین مشکل هانسی فلیک در این فصل است که موجب شده این سرمربی مجبور به استفاده از ترکیب تکراری شود که عواقبی مثل خستگی و مصدومیت آن را ضعیف‌تر کرده است. به طور مثال اکنون بازیکنانی مثل کاسادو، یامال، لواندوفسکی و بدری جایگزینی ندارند. بارسلونا نیاز به تقویت دارد تا بتواند قوی‌تر ظاهر شود اما این موضوع در میانه بحران اقتصادی فعلی تقریباً غیرممکن است، بنابراین فلیک باید با این وضعیت کنار بیاید و بیشتر به استعدادهای لاماسیا روی بیاورد و مشکل کمبود بازیکن را از این طریق جبران کند.

هنر جدید شبکه دلالی«بزرگنمایی از یک نوجوان خاطی»

بگذارید غندی‌پورها حرف‌های شوند نه دلالی!

بود. می‌خواستیم درسی بگیرد که تا آخر عمر برای تیمی که بازی می‌کند و به آن نیاز دارد، فراموش نکند. خدای نکرده من نخواستیم رضا را خراب کنیم. خواستیم درس بگیرد. دو روز به پادگان رفت و بقیه روزها هم باید به کاری که کرده فکر می‌کرد. بازیکنی که تیم مرا بی‌دلیل و بی‌جهت زیر فشار می‌برد، باید تنبیه شود.»

■ ■ ■

حالا در نظر بگیرید در حالی که مازپار زارع به درستی در مسیر تربیت این بازیکن نوجوان به او درس حرف‌های‌بودن می‌دهد، ناگهان شبکه دلالی حاکم بر فوتبال وارد ماجرا می‌شود. چگونه؟ بارائه پیشهاد از پرسپولیس غندی‌پور در «رلد ساکر» در بین ۵۰ بازیکن جوان برتر دنیا است. خب در نظر بگیرید یک بازیکن جوان چوبای نام ناگهان با این شرایط روبه‌رو می‌شود. از طرفی مورد غضب سرمربی تیمش هم قرار گرفته، چه اتفاقی رخ می‌دهد؟ آیا این بازیکن فرمان‌پذیر خواهد بود؟ بازیکنی که باید تنبیه شود تا بیشتر بیاموزد، ناگهان خود را بزرگ و در حد تیم‌های بزرگ می‌بیند. حالا مربی چگونه باید به او بقبولاند که هنوز راه درازی تا بازیکن شدن در پیش دارد. این همان ضربه مهلکی است که شبکه دلالی به فوتبال ایران می‌زند.

سرمربی ملوان در خصوص این قبیل حرکات و این پیشنده‌های اغواکننده می‌گوید: «این صحبت‌ها را ما هم می‌شنویم، ولی این‌همه تماس و

صحبت‌های متفاوت برای این بچه در این سن مناسب نیست. او بازیکن سرباز ما و بعد از آن بازیکن پیکان است. هر چیزی هم یک روایی دارد. خودم بارها و بارها این صحبت‌ها را بارضانجام داده‌ام. با توجه به سن او نیاز است بیشتر با هم صحبت کنیم. امیدوارم هر اتفاقی که برای او خوشایند است، بیفتد.»

■ ■ ■

باید مراقب بود. باید مراقب نوجوانان و جوانانی چون غندی‌پور و امثال او که کم‌کم هم نیستند، بوده؛ بازیکنانی که شبکه دلالی حاکم بر فوتبال می‌خواهند با سوءاستفاده و بزرگنمایی بپهلود از آنها فوتبال شان را نابود کنند. در حالی که آنها هنوز برای بزرگی راه طولانی و درازی در پیش دارند. فوتبال ایران بازیکنانی از این دست کم نداشته است؛ بازیکنانی که با وجود استعداد زیاد بموقع تربیت نشدند و سرانجامی جز نابودی نداشتند؛ بازیکنانی که شبکه دلالی در همان آغاز کار آنها را به نابودی کشاند.

گرد و خاک آموریم جواب می‌دهد؟

منچستر چاره‌ای جز برد ندارد

کند تا تیمی که با کسب ۲۶ امتیاز از هفت برد، پنج مساوی و ۱۰ باخت در رده سیزدهم جدول قرار دارد، تکانی به جایگاه خود بدهد.

منچستر که این روزها به واسه کسب ۳۳ امتیاز از هشت برد، ۹ مساوی و پنج باخت سه پله بالاتر از منچستر(رده دهم جدول) ایستاده، نه فقط نیاز به بازنگری عملکرد خط دفاعی تیمش با ۳۲ گل خورده دارد که کم‌نیزمد کار کردن روی مسائل روحی- روانی است، در غیر این‌صورت نه تنها نمی‌تواند به کسب نتیجه برابر فولامی که با کسب ۳۲ امتیاز از هشت برد، ۹ مساوی و پنج باخت سه پله بالاتر و در رده دهم جای گرفته امیدوار باشد که باید خود را مهیای شرایطی به مراتب بدتر هم کند، با وجود این آموریم که از هواداران تیمش نیز خشمگین‌تر است، روش‌های خود را دارد، به طوری که بعد از باخت تیمش به برایتون چنان طوفانی در رختکن به پا کرد که رسانه‌های انگلیس به تیرت عصیان‌ی‌تر از مورنبو به توصیف آن پرداختند؛ خشمی که سرمربی منچستر صراحتاً گفت قول نمی‌دهد تکرار نشود و این بی‌تردید هشدار ی جدی به شاگردانش برای تمرکز هر چه بیشتر روی بازی‌های پیش رو بود. باید دید گرد و خاکی که آموریم بعد از باخت به برایتو در رختکن منچستر به پا کرد، می‌تواند تغییری در روند نتیجه‌گیری شیاطین سرخ در لیگ برتر ایجاد کند و برتری مقابل فولام را به دنبال داشته باشد؟



فریدون حسن

تصور کنید مبلغ ۸۰میلیارد و ۲۳۵میلیون و ۳۰۰هزار تومان از جایی درآمد داشته باشید. آ‌با کاری می‌کنید که این درآمد کم شود؟ آیا کاری می‌کنید که جلوی این درآمد گرفته شود؟ پاسخ به این سؤالات نیاز به تفکر زیاد ندارد. قطعاً هیچ کس نمی‌تواند از چنین درآمد نجومی و هنگفتی چشم‌پوشی کند. حتماً با خودتان می‌گویید این درآمد افسانه‌ای مربوط به کجا و بابت چیست. خب آنها که دستی بر آتش دارند حتماً متوجه شده‌اند که این درآمد فدراسیون فوتبال از جرایم تیم‌ها و بازیکنان فوتبال تاخرداد ماه گذشته است؛ مبلغی که رسانه‌ای شد و جالب این است که با وجود سروصدای زیاد به قول معروف «کک آقاییان هم نگزید» و خیلی راحت سکوت اختیار کردند.

خب در قبال چنین درآمدی باید هم سکوت کرد. ما هم اگر بودیم سکوت می‌کردیم اما نکته این است که وقتی چنین درآمدی باعث نمی‌شود بی‌اخلاقی کم و حاشیه‌های فرهنگی از بین برود، حداقل زُست اخلاقمنداری هم به خودتان نگیرید. امروز همه می‌دانیم که حتی بالاتر رفتن این جرایم و به دنبال آن بالاتر رفتن درآمد فدراسیون فوتبال هیچ تأثیری بر متخلفان ندارد و آنها با خیال راحت تخلفات‌شان را می‌کنند و بعد هم پول آن را به حساب فدراسیون واریز می‌کنند.

تازه این در شرایطی است که باور کنیم مثلاً فلان بازیکن این پول را از جیب مبارک می‌پردازد و باشگاه اصلاً کمکی بابت پرداخت نمی‌کند یا اینکه مثلاً از مطالبات قبلی بازیکن پرداخت نمی‌شود که در این صورت باید اذعان کنیم هیچ فشاری بابت این پرداخت‌های چندده‌میلیونی یا چندصدمیلیونی به بازیکن وارد نمی‌شود، پس با خیال راحت و بدون نگرانی بازهم فحش می‌دهد، تنو نمایش می‌دهد، با حرکات دست و پا آنچه لایق خودش است را به تماشاگران نشان می‌دهد و...

توجه داشته باشید اصلاً مهم نیست، اصلاً مهم همان مبلغ ابتدای مطلب است که حتماً در فصل جدید و سال پیش رو چند برابر هم می‌شود. حتماً خرداد ماه ۱۴۰۴ مبلغی که رسانه‌ای می‌شود، بیشتر و بیشتر از مبلغی است که در خرداد ماه ۱۴۰۳ منتشر شد و حتماً بازهم با سکوت آقایان روبه‌رو خواهیم شد، چون به هر حال کسی نمی‌تواند از چنین درآمدی صرف‌نظر کند. حالا این وسط چه بر سر اخلاقی می‌آید، گفتیم که اصلاً مهم نیست؛ مهم این درآمد است که فوتبالی‌جماعت به آن «ته» نمی‌گوید، هر چه بیشتر بهتر، هر چه فحش بیشتر درآمد بالاتر، این مهم است.

حاشیه

حامد قهرمانی



همه منتظر باخت آبی‌ها

بیچاره هوادار استقلال

استقلال دیروز بعد از ظهر با ملوان مسابقه داشت. نتیجه بازی اصلاً مهم نیست، چون ظاهر خود استقلالی‌ها هم چندان پیگیر نتایج این تیم نیستند، این را ما نمی‌گوییم بزرگان فوتبال و پیشکسوتان این تیم می‌گویند. وقتی یکی مثل حسن روشن می‌گوید خوشبختانه استقلال باخت، چه چیز دیگری می‌توان گفت؟ اصلاً کسی چه می‌داند شاید اگر استقلال دیروز ملوان را برده باشد، این آقایان تراحت هم شده باشند!

امروز بهتر از هر زمان دیگری می‌توان گفت که استقلال چوب چه چیز را می‌خورد. این تیم تا دل‌تان بخواهد مدعی دار؛ مدعی بزرگ بودن، مدعیانی که می‌گویند استقلال فقط زمانی استقلال است که ما باشیم؛ مدعیانی که به اسم پیشکسوت‌از سبوی رسانه‌ها بزرگ می‌شوند و استقلال استقلال می‌کنند اما تا وقتی که از نمد استقلال برای آنها کلاهی تهیه شود در غیر این صورت خوشحال می‌شوند که استقلال ببازد؛ از حسن روشن گرفته تا باقری‌قدیمی‌ها و پیشکسوتان تازه به دوران رسیده. جالب است که می‌گویند استقلال باید اینقدر خراب شود تا آن را از نو بسازیم؛ یعنی اینها نشستند تا استقلال ببازد، تا سقوط کند، تا نابود شود، چون آنها در تیم نقش ندارند، چون می‌خواهند به هر بهانه حتی کمیته فنی هم که ننده خودی نشان دهند. کمیته فنی را که یادتان هست، روزگاری علی پروین گفت «کمیته فنی یعنی کُشک». حالا اینها می‌خواهند بنشینند تا استقلال به خاک سیاه بنشیند و بعد اینها بیایند و با «کُشک» استقلال را نجات دهند.

استقلال تادل‌تان بخواهد مدعی نجات دارد؛ مدعیانی که به قول خودشان سال‌هاست نشستند تا تیم ویران شود و بعد بیایند و از نو آن را بنا کنند، حالا چگونه و با کدام دانش بماند برای بعد. بپهلود نیست که یکی مثل موسیمانه می‌آید؛ موسیمانه‌ای که دل‌لا‌ها خوب راهی استقلال‌ش کردند و حالا فترستی داده که با یک نگاه می‌توان به راحتی بی‌رد خودش چقدر از بابت جذب آنها به جیب می‌زند ولی خب مشکل موسیمانه نیست، او کار خودش را می‌کند. مشکل استقلال مدعیانی هستند که استقلال را زمانی موفق می‌بینند که خودشان باشند و در غیر این صورت می‌نشینند کنار و برای نابودی استقلال روز شمار را می‌اندازند.

روز کار عجیبی است. بیچاره هوادار استقلال که دلش را خوش کرده به اینکه تیمش نجات پیدا می‌کند غافل از اینکه خیلی‌ها در استقلال منتظر نشستند تا استقلال اول نابود شود و بعد آنها بیایند و مانند فرشته نجات آن را از نو بسازند، بیچاره استقلال و بیچاره هوادارانش.